

اهل بیت (ع) و خونخواهی

شبهه:

چرا نباید مثل پیامبر که در فتح مکه همه را بخشید ما هم قاتلان رهبر را ببخشیم؟



وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ
سوره مبارکه الشعراء آیه ۲۲۷

امروز که خون نایب امام زمان بر زمین ریخته شده، تکرار این شبهه کهنه، جز تلاشی برای تضعیف روحیه امت و ایجاد رخوت نیست. شبهه افکنان می خواهند میان ما و فریضه الهی قصاص، فاصله بیندازند و خون شهیدان را پایمال کنند، غافل از اینکه سیره اهل بیت، سرشار از تاکید بر اجرای عدالت و خونخواهی مظلومان است. ما نه در مقام پیامبر فاتح مکه هستیم که از موضع قدرت ببخشیم، بلکه در جایگاه امتی مظلوم قرار داریم که خون ولی خود را بر زمین دیده و موظف است به تکلیف الهی خود عمل کند. قصاص قاتلان رهبر شهید، نه تنها یک حق مسلم، که واجبی الهی برای حفظ امنیت و بازدارندگی جامعه است. هر کس که این فریضه را نادیده بگیرد، نه تنها از سیره اهل بیت فاصله گرفته، که راه آنان را نیز در پیش نگرفته است. فریاد «یا لشارات الحسین» امروز، همان خونخواهی جاری در طول تاریخ است که با خون تازه شهیدان، جان تازه ای گرفته و تا برچیده شدن بساط ظلم، هرگز فروکش نخواهد کرد.

این، گام نخست خونخواهی بود که با اقدام مردمی، به سرانجام ظاهری خود رسید. از این رو، ادعای سکوت اهل بیت، نه تنها نادرست، که با تاریخ قطعی در تناقض است. پس چرا می گوییم سیدالشهداء هنوز «شارالله» است و خونخواهی او ادامه دارد؟ زیرا خونخواهی حقیقی، با قصاص قاتلان به پایان نمی رسد. قصاص، گام نخستین است؛ اما خونخواهی جامع، فراتر از کینه چند تن است. دشمن کربلا، برای نابودی دین و خاموش کردن نور خدا، به جنگ امام برخاست؛ از این رو، تا زمانی که ریشه های آن اندیشه باطل و ساختار ظلمی که چنین جنایتی را ممکن ساخت، از جهان برچیده نشود و حکومت عدل الهی بر عالم استقرار نیابد، گویی هنوز انتقام کامل آن خون عظیم، گرفته نشده است. اهل بیت با درک این عمق، پرورنده خونخواهی را به دست خونخواه حقیقی یعنی امام زمان (عج) سپردند تا او در ظهورش، بساط تمام جریان های باطل را برچیند. این، سکوت از روی ضعف نیست؛ بلکه صبر هوشمندانه ای است که می داند کارزار این خون، تا قیامت ادامه دارد.

مجتبی (ع) در برابر او سکوت کرد و او را بخشید؟ هرگز. امام مجتبی بلافاصله به عنوان ولی دم پدر، فرمان قصاص او را صادر کرد و جامعه را از پلیدی وجود قاتل خلیفه خدا پاک ساخت. این، یک اقدام قاطع الهی بود که نشان می دهد اهل بیت هرگز با اصل قصاص و اجرای عدالت در برابر جنایتکاران مخالف نبودند. اگر خونخواهی در سیره آنان راه نداشت، چرا قصاص این ملجم صورت گرفت؟ این خود، گویاترین پاسخ به شبهه افکنان است. اما در ماجرای سیدالشهداء، قصاص قاتلان مستقیم نیز نه تنها انجام شد، بلکه با تایید خود امامان رقم خورد. امام سجاد (ع) که در اوج خفقان اموی و با تهدیدی جدی برای بقای اسلام و نسل اهل بیت روبه رو بود، نه تنها به صورت پنهانی از خونخواهی حمایت کرد، بلکه با صدور مجوزی صریح، زمینه ساز قیام مختار شد و فرمود: «اگر یک برده زنگی هم برای ما اهل بیت تعصب به خرج دهد، یاری او بر مردم واجب است». پس از قصاص سران جنایتکار کربلا، امام سجاد (ع) اظهار خوشحالی کردند و امام باقر (ع) نیز کار مختار را ستودند.

پاسخ به این شبهه را باید در تفکیک دقیق میان «بخشش از موضع قدرت» و «سکوت در برابر ظلم پایمال کننده» جست. کسانی که به بخشش پیامبر در فتح مکه تمسک می جویند، فراموش می کنند که آن عفو بزرگ، در اوج اقتدار و با لشکری فاتح رقم خورد؛ پیامبری که می توانست با یک اشاره، تمام کینه توزان قریش را نابود کند، اما رحمت الهی را برگزید تا دل ها را به اسلام جذب نماید. این، نشان عظمت اخلاقی رسول خداست، اما هرگز به معنای کنار گذاشتن اصل قصاص در نظام الهی نبود. اگر در آن فتح، کسی دست به جنایت تازه ای می زد، بدون تردید با عدالت اسلامی مواجه می شد. اما ماجرای کربلا، با فتح مکه تفاوتی ماهوی دارد؛ اینجا بخشش از موضع پیروزی بود، اینجا خون مظلوم در اوج غربت و تنهایی ریخته شد.

حال، آیا اهل بیت در برابر قاتلان سیدالشهداء سکوت کردند؟ تاریخ، گواه روشنی بر خلاف این ادعاست. برای اثبات، کافی است به نمونه ای عینی در خود سیره امامان اشاره کنیم: قاتل امیرالمؤمنین، ابن ملجم مرادی، آیا امام حسن

